

A Critique of *Educational Skills (Teaching Methods and Techniques)*

Batool Sabzeh*

Abstract

The purpose of this research is to evaluate, criticize, and analyze the book in the field of teaching. The analytical method is used in book evaluation. The first example of the book *Teaching and Learning Skills (Teaching Methods and Techniques)* is the first volume by Hassan Shaabani. The textbook has been studied based on the content and format of academic textbook critique, textbook review, and humanities textbook review. Based on the research findings, this book has some advantages and disadvantages such as the introduction of goals and objectives at the beginning of each chapter, the use of tables and diagrams, the presentation of conceptual models at the beginning of each chapter, students' professional needs, as well as shortcomings and weaknesses such as lacking a persuasive educational model, lack of new scientific findings, inadequate presentation, lack of motivational and critical thinking questions, and repeated disruption of some book topics with other related lessons. The other shortcomings include how to cite, overlooking new sources, adjust abstract, volume, and book cover design which are inappropriate to reduce book productivity and efficiency for the audience.

Keywords: Book Reviews, Teaching Methods and Techniques, Teacher Preparation

* Assistant Professor of Educational Science, Farhangian University, Department of Educational Science, Tehran, Iran, b.sabzeh@cfu.ac.ir

Date received: 2020-07-18, Date of acceptance: 2020-11-21

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)

بتول سبزه*

چکیده

هدف این مقاله ارزش‌یابی، نقد و تحلیل کتابی در حوزه تدریس است. در ارزش‌یابی کتاب از روش تحلیلی استفاده شده است. نمونه بررسی شده کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) جلد اول، تألیف حسن شعبانی است. کتاب مورد مطالعه براساس شاخص‌های ظاهری و محتوایی فرم نقد کتب درسی دانشگاهی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. براساس یافته‌های تحقیق، این کتاب با داشتن امتیازات و نکات مثبتی چون بیان مقدمه و اهداف در ابتدای هر فصل؛ استفاده از جداول و نمودارها؛ ارائه مدل مفهومی در ابتدای هر بخش؛ سلیس و قابل فهم بودن اثر؛ مرتبط بودن عنوان کتاب با نیازهای حرفه‌ای دانشجو معلمان؛ و همچنین کاستی‌ها و نقاط ضعفی نظیر: فاقد الگوی آموزشی اقناع کننده؛ عدم برخورداری از یافته‌های علمی جدید، عدم تناسب در ارائه مطالب؛ عدم طرح سؤال‌های مبتنی بر ایجاد انگیزه و تفکر انتقادی، تکرار مخمل برخی از مباحث کتاب با سایر دروس وابسته و کاستی‌هایی در نحوه استناددهی، عدم استفاده از منابع جدید، تنظیم چکیده، حجم و طرح جلد نامناسب کتاب است.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، روش‌ها و فنون تدریس، آماده‌سازی معلمان

* استادیار علوم تربیتی، عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، b.sabzeh@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

۱. مقدمه

درس «روش‌ها و فنون تدریس» یکی از دروس اصلی رشته‌های علوم تربیتی است که به منظور آشنایی دانشجویان این رشته‌ها و همچنین دانشجو معلمان مراکز تربیت معلم، با روش‌های عمومی تدریس و فراگیری مهارت‌های معلمی، در دوره کارشناسی تدریس می‌شود. هدف عمده درس «روش‌ها و فنون تدریس»، آشنایی دانشجویان با اصول عام و خاص تدریس، روش‌های مختلف تدریس، فنون و مهارت‌های تدریس، مدیریت و طراحی فعالیت‌های تدریس، تنظیم و تدوین طرح درس و برنامه‌های درسی سالانه و غیره است. امروزه دانشگاه فرهنگیان با داشتن ۹۸ پردیس و مرکز آموزشی در سراسر کشور (به نقل از وب سایت رسمی دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۹۸) به عنوان اصلی‌ترین متولی تربیت معلمان در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف به شمار می‌رود. از جمله دروس اصلی در نظر گرفته شده برای آماده‌سازی معلمان در این دانشگاه و سایر دانشگاه‌هایی که رشته‌های علوم تربیتی در آنها دایر است؛ درس «اصول و روش تدریس» است. با توجه به این‌که تدریس یکی از مهم‌ترین وظایف معلمان محسوب می‌شود، نیازمند برنامه‌ریزی، تمرین، کسب مهارت، دانش و صلاحیت‌هایی است که از طریق منابع درسی مرتبط، برای آماده‌سازی دانشجویان حرفه معلمی ارائه می‌شود. لذا ارزشیابی کتاب درسی، به عنوان یکی از ابزارهای موثر در تدریس، از ضروریات این مهم است و انتظار می‌رود کتاب‌های درسی در این حوزه از جمله کتاب روش‌ها و فنون تدریس، دانشجویان رشته علوم تربیتی، خصوصاً دانشجو معلمان را با ابعاد مختلف تدریس و دانش، مهارت و نگرش‌های لازم مدنظر این حرفه آشنا نماید.

۲. بیان مساله

کتاب درسی یکی از ابزارها و رسانه‌های رسمی در زمینه ارتباط علمی است که به رغم گسترش استفاده از وسایل جدید اطلاع‌رسانی، نقش مهمی در یادگیری برای همه سطوح دارد. یونسکو (UNESCO، ۲۰۰۵) کتاب درسی را ابزار اصلی یادگیری تعریف کرده است که برای دستیابی به مجموعه خاصی از نتایج آموزشی، طراحی و از متن، تصویر و یا متن همراه با تصویر تشکیل شده است و به طور سنتی مجموعه چاپی و مجلدی است که آسان سازی توالی فعالیت‌های یادگیری را هدایت و راهنمایی می‌کند. در تعاریف جدیدتر، کتاب درسی تنها شامل اطلاعات آموزشی نیست، بلکه دربردارنده اطلاعات و فعالیت‌هایی است

که برای دستیابی دانشجویان به نتایج یادگیری ضروری است (Khutoroskoi, ۲۰۰۶) برخورداری از بهره‌وری در تالیف کتاب درسی نیازمند ارزیابی و نقد مستمر آنها و تلاش برای از بین بردن کاستی‌های احتمالی است (رضی، ۱۳۸۸: ۲۰). در رشته علوم تربیتی یکی از دروس اصلی و تخصصی، درس «اصول و روش‌های تدریس» است که به ارزش ۲ واحد به دانشجویان دوره کارشناسی ارائه می‌شود. برای تامین منابع این درس، کتاب‌های درسی متعددی توسط متخصصان این حوزه به صورت تالیف یا ترجمه آماده و چاپ و منتشر شده است. کتاب *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)* اثر تالیفی حسن شعبانی است که سال ۱۳۷۱ برای اولین بار توسط انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها) منتشر شده است و تا سال ۱۳۹۸، سه بار مورد ویرایش قرار گرفته و سی و دو بار نیز مورد تجدید چاپ قرار گرفته است. همچنان که در پیشگفتار این کتاب ذکر شده است «در فرایند فعالیت‌های آموزشی، معلمان از عناصر اصلی و کلیدی تحول هستند، بنابراین پرورش معلمان کارآمد و اثربخش که با نظریه‌ها، مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت آشنا باشند و با بینشی هنرمندانه و اقتضایی، محیطی را فراهم نمایند که به جای انتقال اطلاعات و تحمیل اندیشه، احساس امنیت، شایستگی، خودکنترلی، خود تحولی را در دانش‌آموزان تقویت کنند تا آنها بتوانند شخصا معمار تعلیم و تربیت خود باشند؛ لذا برای آماده‌سازی دانشجو معلمان در این راستا و کسب مهارت‌های آموزشی و پرورشی که در عنوان کتاب آمده و در تلاش برای رسیدن به این مهم است؛ این نوشته برآن است تا مزایا و کاستی‌های کتاب را در راستای موارد ذکر شده، مشخص نماید.

۳. هدف مطالعه

نهادینه کردن نقد صحیح و سازنده به منزله یک ابزار تقویت و ارتقاء کمی و کیفی کتاب تالیفی است. در این راستا، هدف از مطالعه مذکور افزایش آگاهی و شناخت کم و کیف شاخص‌های ظاهری و محتوایی کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) تالیف حسن شعبانی است.

۴. روش بررسی

مطالعه حاضر به روش تحلیلی صورت گرفته است. نمونه مورد بررسی، کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) جلد اول، تالیف دکتر حسن شعبانی است که انتشارات سمت آن را به چاپ رسانده است. در این مطالعه، همه فصول جلد اول کتاب مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. کتاب مورد مطالعه براساس شاخص‌های ظاهری و محتوایی فرم نقد کتب درسی دانشگاهی، شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵. معرفی کتاب

کتاب «مهارت‌های آموزشی و پرورشی»، تالیف حسن شعبانی است. این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۷۱ توسط انتشارات سمت، چاپ شد. سپس از سال ۱۳۸۲ به صورت دوجلدی منتشر شد. جلد اول تحت عنوان مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس) و جلد دوم تحت عنوان مهارت‌های آموزشی و پرورشی (نظریه‌ها و الگوهای تدریس) مورد چاپ قرار گرفته است. آنچه در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته، جلد اول کتاب است. جلد اول کتاب مذکور، تا تابستان ۱۳۹۸، سه بار مورد ویرایش و تجدیدنظر قرار گرفته و سی و دو بار مورد چاپ قرار گرفته است. آخرین نسخه کتاب (چاپ شده در تابستان ۱۳۹۸)، شامل ۴۷۶ صفحه است که در سه بخش و یازده فصل، به چاپ رسیده است. نویسنده، مطالب کتاب را به سه بخش تقسیم کرده است. بخش اول کتاب، تحت عنوان مبانی نظری تدریس - یادگیری مشتمل بر سه فصل و حدود ۱۴۰ صفحه است، که ایشان در فصل اول: مبانی نظری یادگیری، در فصل دوم: مبانی نظری تدریس و در فصل سوم: ارتباط و نقش آن در فرایند آموزش سخن گفته است. بخش دوم کتاب، تحت عنوان مدیریت و طراحی فعالیت‌های آموزشی شامل چهار فصل و حدود ۱۳۰ صفحه است، که در فصل چهارم درباره مدیریت کلاس درس؛ در فصل پنجم: درباره هدف‌های آموزشی و منابع تعیین آنها؛ فصل ششم: طراحی آموزشی و مراحل تحلیل و تنظیم آن و فصل هفتم: روش تنظیم برنامه‌های درسی ترمی و روزانه پرداخته است. در بخش سوم کتاب تحت عنوان: اجرای فعالیت‌های آموزشی (روش‌ها و فنون تدریس) در قالب چهار فصل و حدود ۱۸۰ صفحه است که فصل هشتم: روش‌های تدریس مبتنی بر

نقد کتاب مهارت‌های آموزشی و پرورشی ... (بتول سبزه) ۲۰۵

انتقال مستقیم؛ فصل نهم: روش‌های تدریس مبتنی بر تعامل؛ فصل دهم: روش‌های تدریس مسئله محور و فصل یازدهم: روش‌های آموزش انفرادی پرداخته است.

۶. تحلیل کتاب

در این قسمت، ابتدا امتیازات و نقاط قوت کتاب و سپس کاستی‌ها و نقاط ضعف آن به لحاظ ساختار ظاهری و محتوایی بیان شده است.

۱.۶ امتیازات و نقاط قوت کتاب به لحاظ ظاهری

با توجه به این‌که کتاب درسی از ابزار کار دانشجویان است و دانشجویان حداقل یک ترم با آن سر و کار دارند، جذابیت ظاهری کتاب، نقش مهمی در برانگیزاندگی دانشجویان و در نهایت یادگیری بیشتر آنان ایفا می‌کند. بنابراین توجه به ویژگی‌های ظاهری کتاب از طرف ناشر و مولف از اهمیت زیادی برخوردار است که برخی از نقاط قوت این کتاب به لحاظ شکل ظاهری اشاره شده است:

۱.۱.۶ بیان مقدمه و اهداف در ابتدای هر فصل

بیان مقدمه در ابتدای هر فصل باعث آشنایی دانشجو با مطالب فصل و برانگیختن انگیزه مطالعه در آنان می‌شود. آنچه در این کتاب رعایت شده است و ارزشمند است، بیان مقدمه در ابتدای هر فصل و سپس بیان اهداف آن فصل است.

۲.۱.۶ استفاده از جداول و نمودارها

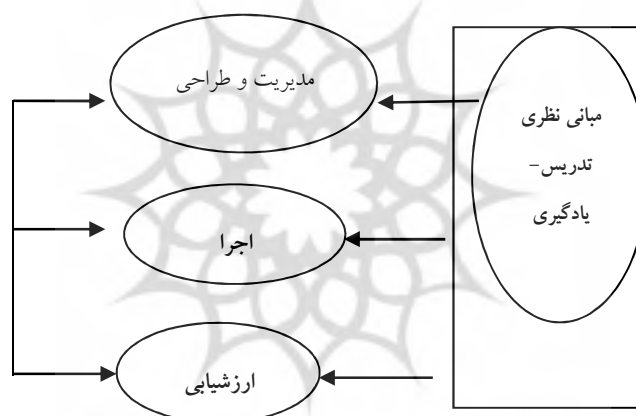
استفاده از جداول در فصول مختلف کتاب یکی از نقاط قوت این کتاب است. برای مثال در فصل هفتم که درباره تنظیم برنامه‌های درسی صحبت شده است، ارائه نمونه‌هایی از طرح درس روزانه (صفحات ۲۶۱ الی ۲۶۸)، برای خوانندگان بسیار راه‌گشا و مفید می‌باشد.

۳.۱.۶ ارائه مدل مفهومی در ابتدای هر بخش

مدل مفهومی (Conceptual Model)، آینه‌ای تمام‌نما از اجزای اصلی و عمده یک پدیده است که روابط اصلی اجزاء و آثار آنها را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر مدل‌ها مخلصی از واقعیات و روابط اصلی بین اجزای پدیده‌ها می‌باشند و نمایی کلی از واقعیت را نشان می‌-

دهند(الوانی، ۱۳۷۹: ۴۵). مزیت کتاب حاضر نیز ارائه مدل مفهومی در قالب نمودار است. کتاب حاضر در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول: مبانی نظری تدریس و یادگیری؛ بخش دوم: مدیریت و طراحی فعالیت‌های آموزشی و بخش سوم: اجرای فعالیت‌های آموزشی است که مدل مفهومی در قالب یک نمودار (همان طور که در زیر آورده شده است) در ابتدای هر بخش از کتاب جهت روشن نمودن روابط بین بخش‌های کتاب و محتوای هر یک از آنها آورده شده است. ارائه مدل می‌تواند دیدی شفاف و روشن برای خوانندگان ایجاد نماید و آن‌ها را در کشف روابط بین نظریه‌های یادگیری و تدریس و سازماندهی و اجرای فعالیت‌های آموزشی یاری کند. نمودار شماره ۱: مدل مفهومی (Conceptual Model)

فرایند تدریس



مهارت‌های آموزشی و پرورشی

۴.۱.۶ سلیس و قابل فهم بودن اثر

یکی از نقاط قوت کتاب حاضر، برخورداری از متنی سلیس و روان است. این ویژگی سبب فهم راحت موضوع توسط خوانندگان می‌گردد.

۲.۶ امتیازات و نقاط قوت کتاب به لحاظ محتوایی

۱.۲.۶ تناسب عنوان کتاب با نیازهای حرفه‌ای مخاطبان

یکی از نیازهای اصلی دانشجویان علوم تربیتی و دانشجو معلمان، آشنایی آنها با روش‌ها و فنون تدریس است. استفاده از راهبردها و شیوه‌های مناسب تدریس توسط معلمان، یکی از عناصر مهم در اثر بخشی آموزشی است (استرانگ، ۲۰۰۷). علاوه بر این معلمان نیازمند مهارت‌هایی نظیر برنامه ریزی، طراحی هدف‌ها و فعالیت‌های آموزشی (دانیل سون، ۲۰۰۷)، توانایی استفاده از ارتباط کلامی برای انتقال مفاهیم به دانش‌آموزان (اندرسون، ۲۰۰۴)، مهارت مدیریت کلاس درس و غیره هستند. کتاب حاضر با در بر داشتن عناوینی نظیر: ارتباط و نقش آن در فرآیند آموزش (فصل سوم)؛ مدیریت کلاس درس (فصل چهارم)؛ روش تنظیم برنامه‌های درسی ترمی و روزانه (فصل هفتم) و معرفی روش‌های تدریس مختلف برای اجرای فعالیت‌های آموزشی در بخش سوم کتاب، به مباحث مورد نیاز معلمان اشاره کرده است. البته در صورتی این اثر می‌تواند به عنوان منبع مفیدی در راستای مرتفع نمودن نیازهای دانشجویان و دانشجو معلمان باشد که علاوه بر عناوین، محتوای هر بخش از کتاب نیز براساس نیاز دانشجو معلمان به روزرسانی و اصلاح شود.

۳.۶ کاستی‌ها و نقاط ضعف کتاب به لحاظ ظاهری

۱.۳.۶ طرح جلد

از آنجا که طرح روی جلد کتاب، آینه‌ای از درون کتاب است، لذا شایسته است در طراحی جلد از تصاویر، رنگ‌ها و عناصری استفاده شود که بتواند پیام و محتوای کتاب را، به خوبی به مخاطبان کتاب انتقال دهد. طرح روی جلد کتاب مذکور، تصویر کودکی را نشان می‌دهد که به لحاظ ظاهری دارای موهایی کاملاً روشن است که پشت یک میز نشسته است و با در دست داشتن مدادی زرد رنگ که بر روی صفحه انتهایی یک دفتر قرار دارد، با حالتی ناشناخته به دور دست خیره شده است. شاید توجه به چند نکته در تصویر جلد این کتاب خالی از لطف نباشد. با توجه به این که اکثریت قریب به اتفاق کودکان ایران از رنگ مویی تیره (قهوه‌ای و سیاه) برخوردارند، توجه به این نکته در انتخاب تصویر روی جلد یک کتاب درسی، خود می‌تواند به نوعی ارزش‌گذاری و بها دادن به نژاد و فرهنگ ملی باشد.

در تایید این نکته همچنین توجه به موقعیت دفتر (باز بودن از سمت چپ) و کارت‌های حروف انگلیسی که پیش روی کودک قرار گرفته است، قابل توجه است. کما اینکه شایسته است تجدیدنظر مناسبی در انتخاب تصویر روی جلد، در راستای محتوای کتاب صورت گیرد.

۲.۳.۶ حجم کتاب

یکی از مواردی که در ارزیابی ظاهری کتاب درسی در نگاه اول به چشم می‌خورد، حجم کتاب است. کتاب مورد بررسی، به لحاظ حجم، متعارف نیست. همچنان‌که در صفحه اول سخن ناشر ذکر شده است، این کتاب «برای دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی و رشته‌های دبیری در مقطع کارشناسی تدوین شده است»، که اغلب به ارزش ۲ واحد است. طبق عرف، برای هر واحد درسی، میانگین حدود یک‌صد صفحه مناسب است (رضی، ۱۳۸۸: ۲۲). در صورتی که کتاب حاضر در آخرین چاپ خود نزدیک به ۵۰۰ صفحه است. حجم زیاد کتاب می‌تواند اهداف آموزشی کتاب را تحت الشعاع قرار دهد و توجه خواننده را از مطالب اصلی دور نماید. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که حجم کتاب مورد نظر به مرور افزایش یافته است و پس از هر بار بازنگری، طولانی‌تر، ضخیم‌تر و حجیم‌تر شده است. در این صورت دانشجویان مجبورند، پول بیشتری برای خرید این کتاب بپردازند، در حالی که امیدی نیست طی یک نیمسال تحصیلی آن را به پایان برسانند و بنا بر اجبار بعضی از فصل‌ها برای دوره تحصیلی انتخاب شده و بقیه حذف می‌شوند. افزایش حجم کتاب، در نتیجه اضافه کردن مداوم مطلب جدید، بدون حذف کردن مطالب قدیمی است که شایسته است در بازنگری‌های آتی به این نکته عنایت شود.

۳.۳.۶ خلاصه فصول

چکیده یا خلاصه نویسی به معنای تشخیص جوهری یک متن و ارائه آن به صورت مختصر همراه با صحت و وضوح کافی است (نجیبی، ۱۳۸۲: ۴۳) در نگارش چکیده یا خلاصه فصل کتاب درسی، علاوه بر توجه به وضوح و روشنی؛ رعایت اصولی از قبیل خبری بودن جملات، کامل بودن جملات، انسجام و هماهنگی، پرهیز از تکرار، ساده و روان نویسی، گزیده نویسی، کوتاه نویسی و غیره از اهمیت زیادی برخوردار است (نجیبی، ۱۳۸۲: ۴۵). در کتاب مذکور خلاصه برخی فصول (برای مثال خلاصه فصل هفتم)، بسیار

کوتاه و در حد نیم صفحه (۱۰ سطر) است و خلاصه برخی فصول (برای مثال فصول هشتم و نهم)، بسیار طولانی و بیش از سه صفحه (بیش از ۸۰ سطر) است که نشان‌دهنده عدم گزیده نویسی است. در برخی فصول، در خلاصه از جملات کامل خبری استفاده نشده است. برای مثال در خلاصه فصل نهم چنین آمده است «مراحل اجرا در شیوه دوم عبارت است از توصیف مسئله، قیاس مستقیم، قیاس شخصی، تعارض فشرده، قیاس مستقیم و بررسی مجدد تکلیف» (شعبانی، ۱۳۹۸: ۳۷۸). در برخی فصول نیز (همانند خلاصه فصل دوم) خلاصه و کوتاه نویسی به درستی انجام نشده است.

۴.۶ کاستی‌ها و نقاط ضعف کتاب به لحاظ محتوایی

۱.۴.۶ فاقد الگوی آموزشی اقناع‌کننده

پیروی از الگو یا الگوهای آموزشی در ارائه محتوای برنامه درسی یا کتاب درسی، باعث افزایش اعتبار آموزشی آن می‌شود. در دروس دانشگاهی، الگوهایی به کار می‌روند که امکان گفتگو و مباحثه را بین استاد و دانشجویان فراهم می‌کنند و به فهم اقناعی موضوعات منجر می‌شوند. به طوری که زمینه‌های تحقیق و پژوهش را برای توسعه دانش یادگیرنده فراهم و ارتباط او را با مراکز و منابع یادگیری داخل و خارج فضای آموزشی برقرار می‌سازند (ملکی، ۱۳۸۵: ۱۶). آنچه در این کتاب در قالب محتوا ارائه شده است، جنبه علمی بودن را رعایت کرده است و به نوعی اعتبار علمی دارد، اما علمی بودن یک متن لزوماً با آموزشی بودن آن همراه نیست. برای تایید این ادعا می‌توان به بخش سوم کتاب که به *انواع روش‌های تدریس پرداخته است*، اشاره کرد. در این بخش از کتاب، نویسنده در قالب فصل‌هایی مجزا به معرفی و توضیح هر یک از روش‌های تدریس پرداخته است و مزایا و محدودیت‌های هر یک از آنها را ذکر کرده است. با وجود این که جنبه علمی بودن مطالب رعایت شده است، اما آنچه که از نظر دور مانده است این است که در معرفی این روش‌ها از الگوی آموزشی‌ای که موجب درگیر کردن مخاطبان و زمینه‌های تحقیق یا عملیاتی نمودن آنها در موقعیت‌های آزمایشی یا واقعی باشد، بهره گرفته نشده است. در واقع آنچه از این بخش کتاب عاید مخاطبان می‌گردد، تنها اطلاعات و مطالبی است که باید در قالب محفوظات به ذهن سپرده شوند.

۲.۴.۶ عدم برخورداری از یافته‌های علمی جدید:

کتاب درسی مجموعه‌ای از دانش بشری را با خود دارد که باید با یافته‌های علمی جدید هم‌سو و هماهنگ باشد. حفظ اعتبار مطالب در شرایط کنونی که میزان تغییر و تحول علمی بسیار بالاست، کار آسانی نیست. با این وجود یکی از ملاک‌های اعتبار کتاب درسی دانشگاهی، برخورداری از یافته‌های جدید علمی است که متأسفانه در این کتاب با وجود ویرایش و تجدید چاپ‌های مکرر، چندان توجهی به آن نشده است. در اثبات این ادعا به دو مورد از مصادیق بسنده شده است:

در فصل دوم کتاب تحت عنوان *مبانی نظری تدریس*، در ذیل *نظریه‌های تدریس* صفحه ۷۴ کتاب چنین آمده است:

در طول چند دهه اخیر نظریه‌های نسبتاً قابل توجهی در زمینه تدریس ارائه شده است. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه تنیسون (۱۹۸۰) درباره مفهوم تدریس، نظریه اسکاندورا (۱۹۷۷) درباره ساخت تدریس، نظریه لاند (۱۹۷۶) و برخی افراد دیگر درباره چگونگی تدریس و نظریه کیس (۱۹۷۸) درباره تدریس کودکان پیش دبستانی و کودکانها اشاره کرد. (شعبانی، ۱۳۹۸: ۷۴)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نظریه‌های نام برده شده همگی مربوط به دهه ۷۰ میلادی هستند و هیچ نظریه جدیدی که مربوطه به سال‌های اخیر باشد ذکر نشده است. کما این‌که هیچ‌کدام از نظریه‌های نام برده شده، توضیح داده نشده‌اند و فقط به ذکر این جمله که «کلیه نظریه‌های تدریس به نوعی با یکدیگر متفاوت هستند» بسنده شده است.

همچنین در فصل چهارم کتاب تحت عنوان *مدیریت کلاس درس*؛ نویسنده در ابتدای فصل با مطرح کردن کلاس درس مانند یک سیستم اجتماعی، به ارائه دو تعریف از مدیریت کلاس از منظر ویلیامز و همکاران (۲۰۰۰) و رویکرد پست نیوتنی در قالب چند خط پرداخته است و سپس در کل فصل با الهام از رویکرد رفتارگرایان، به توضیح و تشریح برنامه‌ریزی، مدیریت و انضباط کلاس درس به روش‌های محروم کردن، تقویت، تنبیه و غیره پرداخته است. از جمله اشکالات وارد بر مباحث فصل حاضر این است که، نویسنده با جهت‌گیری آشکاری و تنها با پیروی از یک رویکرد (رفتارگرایان)، به ارائه راهبردهای مقابله با رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان در کلاس پرداخته است. برای مثال در فصل دوم، ذیل عنوان *راهبردهایی برای مقابله با رفتارهای بسیار نامطلوب*؛ دو راهبرد محروم کردن از

تقویت و حذف رفتار نامطلوب ناسازگار ذکر شده است و بعد از دو صفحه توضیح درباره این دو راهبرد چنین آمده است:

...اگر تمام این تلاش‌ها رفتار نامطلوب را کاهش نداد و فرصت اجرای یک تدریس موثر را از معلم گرفت چه تصمیمی باید گرفته شود؟... بعضی از صاحب‌نظران معتقدند در چنین مواردی که فعالیت‌های آموزشی سایر دانش‌آموزان دچار اختلال می‌شود می‌توان به تنبیه متوسل شد. البته در صورتی که تنبیه ضروری به نظر رسد و از نظر اخلاقی قابل توجیه باشد. تنبیه می‌تواند به اشکال مختلف انجام شود: الف) توبیخ (ملایم؛ ب) تنبیه همراه با تشویق؛ ج) انزوای اجتماعی و د) جریمه کردن یا کم کردن امتیاز (الیری و الیری، ۱۹۷۷، ۱۱۱). توبیخ ملایم، که موجب دلواپسی دانش‌آموز شود، اغلب اثربخش‌تر از تنبیهی است که در جمع انجام و سایر دانش‌آموزان مطلع شوند... توجه منفی می‌تواند شامل موارد ذیل باشد: الف) اخم کردن همراه با بیان کلمات، تن صدای بلند و اشاره‌هایی است که مشخص کند دانش‌آموزی در حال انجام رفتار نامطلوب است. ب) نزدیک شدن به دانش‌آموزی که دارای رفتار نامطلوب است. ج) واکنش سریع منفی از جایگاه معلم. (شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۵۵).

امروزه با گسترش نظریات و دیدگاه‌های جدید درباره مدیریت کلاس و نحوه برقراری ارتباط موثر بین معلم و دانش‌آموزان؛ به کارگیری راهبردهای تشویقی و تنبیهی در شکل-دهی و اصلاح رفتارهای دانش‌آموزان، تا حد زیادی مورد تردید جدی قرار گرفته است. نظریات و دیدگاه جدیدی که نقش راهبرانه را جایگزین نقش رئیس‌مآبانه معلمان در کلاس‌های درس نموده‌اند (گلسر، ۱۹۸۰) و فلسفه تازه‌ای برای روابط انسانی و برقرای فرهنگ تفاهم در کلاس درس (گوردن، ۱۹۸۹) ارائه نموده‌اند. لذا شایسته است به جای پرداختن به یک دیدگاه، ابتدا راهبردهای مختلف برای مدیریت کلاس از دیدگاه‌های مختلف، به خصوص دیدگاه‌های جدید و اثربخش، به مطالب کتاب افزوده شود و فرصت و موقعیت بحث، بررسی و انتخاب در اختیار مخاطبان کتاب نیز قرار گیرد.

۳.۴.۶ عدم تناسب در ارائه مطالب (اطناب و ایجاز بیش از حد در برخی موارد)

اطناب و ایجاز به خودی خود امری ناپسند نیست و اگر در جای خود رعایت شود، یک مزیت است. اما به نظر می‌آید در این کتاب در برخی موارد اطناب و ایجاز آزار دهنده پیش آمده است. اگر بخواهیم نمونه‌ای از اطناب مطلب را ذکر کنیم می‌توان به فصل نهم، مبحث «روش یادگیری مشارکتی» اشاره کرد که در آن مولف بیش از ۱۶ صفحه درباره این روش

توضیح داده است. اصولاً، اطناب زمانی پیش می‌آید که نویسنده از توانایی خویش در ارتباط با متن نوشتاری مطمئن نیست و برای ارائه اطلاعات یا نکات مدنظر خود، به استفاده از واژه‌ها و توضیحات اضافی گرایش می‌یابد (لیونکا، ۱۳۹۱، ترجمه مریم جابر و دیگران: ۱۱۲) این کاستی در جاهای مختلف کتاب مشاهده می‌شود که برای اثبات این ادعا فقط به یک قسمت از مبحث «روش یادگیری مشارکتی» بسنده می‌شود:

کودکان با مشاهده و تقلید از رفتار دیگران یاد می‌گیرند و در جریان مشاهده و تقلید کشف می‌کنند که چگونه به طور هدفمند حرکت و به طور قابل فهم صحبت کنند تا به هدف‌های خود انتخاب شده برسند. آنان از خود و دیگران می‌آموزند. آنان در خلال بازی‌هایشان با خود صحبت می‌کنند و یاد می‌گیرند که چگونه فکر کنند و چه انجام دهند. با افزایش سن توانایی شنیدن آنها نیز افزایش می‌یابد، چنان که اندیشه‌های خود را با صدای بلند می‌شنوند و یادگیریشان با تکیه بر بیان به صورت اکتشاف، تسلط یابی و تصورات استمرار می‌یابد. (شعبانی، ۱۳۹۸: ۳۴۸)

همچنان که مشاهده می‌شود، در این پاراگراف، تکرار غیرضروری واژه‌ها برای انتقال اطلاعات و احساسات، باعث افزایش متن شده است که می‌توان آن را با واژه‌های کمتر بازنویسی کرد و متن را طوری ارائه کرد که منظور نویسنده حفظ و کیفیت آن بهبود یابد. در برخی از قسمت‌های کتاب نیز ایجاز بیش از حد قابل مشاهده است. برای مثال در فصل دهم کتاب، نویسنده به معرفی روش واحد محور و انواع آن پرداخته است. کل روش واحد محور در یک صفحه توضیح داده شده است و در توضیح انواع روش‌های واحد محور، فقط به توضیح چند خطی اکتفا شده است. برای مثال ذیل عنوان «روش تدریس موضوع محور» مطالب زیر بیان شده است:

در این روش، موضوعات مورد مطالعه به صورت واحدهای بزرگ مطالعه می‌شوند. در این روش، ارتباط موضوعات و رشته‌های مختلف معمولاً افقی است؛ مثلاً در واحد «دوره فرهنگی» ممکن است هنر، ادبیات، مذهب و شرایط اجتماعی جامعه معینی در یک دوره معین موضوع درس و مطالعه قرار گیرد و یا می‌توان درس ریاضی، فیزیک و شیمی را با انتخاب موضوع «ماشین دیزل» به صورت افقی با یکدیگر مربوط ساخت. (شعبانی، ۱۳۹۸: ۴۰۹)

و یا در توضیح روش تدریس پروژه محور این چنین آمده است:

روش تدریس پروژه محور: کلمه پروژه، برای اولین بار در سال ۱۹۰۰ در بخش کارهای دستی دانشگاه کلمبیا به کار برده شد و مفهوم آن در نزد عموم عبارت بود از یک مسئله وسیع و مهم که جنبه عملی دارد و دانش‌آموزان بدان علاقمندند، ولی بعدها به موضوع هدف و الهامات دانش‌آموز بیش از جنبه عملی آن تاکید شد؛ بنابراین پروژه به مفهوم کلاسی، از الهامات دانش‌آموز سرچشمه می‌گیرد و باعث از یاد علاقه او می‌شود. این روش، در موقعیت‌های طبیعی ارزش تربیتی دارد و جنبه تجربی آن زیاد است و از آنجا که در این روش - به ویژه پروژه انفرادی - تقسیمات تصنعی دروس و ارتباط غیر منطقی آنها از میان می‌رود، موثرترین راه برای یادگیری عمیق و پایدار است. (شعبانی، ۱۳۹۸: ۴۱۵)

همچنان که ملاحظه می‌شود، این روش‌ها فقط در چند خط به صورت کلی معرفی شده است در حالی که به سبب اهمیت این روش‌ها و ضرورت آشنایی دانشجویان خصوصا دانشجو معلمان با آن‌ها، می‌بایست به صورت گسترده‌تر و با توضیحاتی بیشتر ارائه شود. این شیوه بیان، اختصار و کلی‌گویی، نتیجه‌ای جز عدم بیان حق مطلب و سردرگمی برای خوانندگان به همراه ندارد. علاوه بر این به سبب این‌که نمونه یا مثال عملی ارائه و توضیح داده نشده است، باعث عدم فهم مناسب، صحیح و عمیق هر یک از روش‌ها می‌گردد. این در حالی است که در همین بخش از کتاب، نویسنده در توضیح روش‌های سنتی نظیر سخنرانی که دانشجویان با آن آشنایی نسبی دارند، ۱۹ صفحه اختصاص داده است؛ یا در توضیح روش تدریس مشارکتی، همچنان که در سطور بالا اشاره شد، ۱۸ صفحه اختصاص داده است بدون آن‌که نمونه‌های عملی برای فهم بهتر آنها ذکر نماید.

همچنین در اثبات عدم تناسب مطالب کتاب می‌توان برای مثال به فصل اول کتاب نیز اشاره کرد که به «مبانی نظری تدریس» پرداخته شده است. نویسنده در این فصل با معرفی انواع یادگیری، به توضیح دو دسته اصلی از نظریه‌های یادگیری پرداخته است بدون این‌که تناسب ارائه مطلب را رعایت کرده باشد. مبحث یادگیری از طریق شرطی شدن را در حدود ۲۰ صفحه بیان کرده است و مبحث یادگیری از طریق شناخت را در چهار صفحه بیان کرده است. این در حالی است که خود نویسنده اذعان کرده است که

در فرایند یادگیری انسان، یادگیری از طریق شناخت و بینش از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا انسان براساس بینش و تفکر روابط علمی اشیاء و پدیده‌ها را کشف می‌کند. بنابراین وظیفه نظام‌های آموزشی ایجاد شرایط مطلوب برای پرورش تفکر خواهد بود. (شعبانی، ۱۳۹۸: ۵۶)

۴.۴.۶ تکرار مخمل برخی از مباحث کتاب با سایر دروس وابسته

محتوایی کتاب درسی باید طوری باشد که امکان ارتباط با سایر دروس وابسته و واحدهای درسی مرتبط را برای دانشجو فراهم نماید (رضی، ۱۳۸۸: ۲۳). از جمله دروسی که با درس روش‌ها و فنون تدریس ارتباط دارند می‌توان به روان‌شناسی تربیتی، برنامه‌ریزی درسی و طراحی آموزشی اشاره کرد. علی‌رغم تلاش نویسنده در برقراری ارتباط بین دروس ذکر شده در فصول اول و دوم با گنجاندن مطالبی در خصوص مبانی نظری یادگیری و تدریس؛ در فصل پنجم و ششم با ذکر هدف‌های آموزشی، منابع تعیین آن‌ها و مراحل تحلیل و تنظیم طراحی آموزشی؛ قادر به پردازش منطقی بین موضوعات و دروس نشده است و به نوعی تکرار مخمل صورت گرفته است. برای مثال شایسته است به جای ذکر مبانی نظری یادگیری و تدریس در فصول اول و دوم که به نوعی فقط یادآوری سوگیرانه و ناقصی از دو یا چند نظریه است؛ جهت برقراری ارتباط بین درس روانشناسی و نظریه‌های یادگیری با روش‌ها و فنون تدریس؛ به جای تکرار مخمل برخی مطالب؛ به کاربرد و تفاوت کارکرد آن‌ها در مباحث اصلی کتاب از قبیل مدیریت کلاس، طراحی و برنامه‌ریزی دروس و روش‌های تدریس؛ پرداخته شود.

۵.۴.۶ عدم طرح سئوال‌های مبتنی بر ایجاد انگیزه و تفکر انتقادی

اصولا طرح سئوال‌ات برای تعمیق یادگیری استفاده می‌شود. پرسش مناسب علاوه بر کمک به فهم و درک بهتر مطالب، خواننده را به انجام فعالیت‌های یادگیری سوق می‌دهد (آرمند و ملکی، ۱۳۹۶: ۱۴۷) مطرح کردن سئوال‌ها باید حس کنجکاوی، کاوش‌گری و تفکر انتقادی دانشجویان را برانگیزد (مایرز، ۱۳۷۴). در کتاب مذکور، پایان هر فصل، قسمتی با عنوان «خود را بیازمایید» در نظر گرفته شده است. با وجود این که طراحی پرسش‌ها در پایان هر فصل نشانه قوت یک کتاب درسی است، اما پرسش‌هایی که در پایان هر فصل کتاب مطرح شده است، بسیار کلی و اکثر آن‌ها ناظر به رئوس مطالب و در راستای حافظه آزمایی طرح شده است. برای مثال چند نمونه از سئوال‌ات اول فصول یک تا پنج آمده است:

فصل اول: یادگیری را در یک یا دو سطر تعریف کنید؛ عوامل موثر بر یادگیری را نام ببرید (شعبانی، ۱۳۸۹: ۵۷)

فصل دوم: تدریس را در دو سطر تعریف کنید و مفاهیم موجود در آن را تحلیل کنید (شعبانی، ۱۳۸۹: ۱۰۲)

فصل سوم: ارتباط را در چند جمله تعریف کنید و مفاهیم موجود در آن را تحلیل نمایید (شعبانی، ۱۳۸۹: ۱۳۸)

فصل چهارم: انواع فعالیت‌های آموزشی در کلاس درس را در نیم صفحه توضیح دهید (شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۷۵)

فصل پنجم: پس از مقایسه تعاریف مختلف اهداف، با ذکر دلایل بهترین تعریف را انتخاب کنید (شعبانی، ۱۳۸۹: ۱۹۹)

لذا کتاب درسی دانشگاهی، نباید فقط وسیله‌ای برای انتقال دانش به خوانندگان باشد، بلکه باید مطالب آن بتواند سؤال‌های جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش روی آنان بگشاید (رضی، ۱۳۸۸: ۲۳).

۶.۴.۶ کاستی در نحوه استناددهی و عدم استفاده از منابع

در کتاب مذکور، موارد زیادی مبنی بر ارائه مطالب و نتایج پژوهش‌ها مشاهده می‌شود بدون این که منابع آن‌ها ذکر شده باشد. در ادامه به چند نمونه مطلب بدون ذکر سند و منبع اشاره شده است:

«در پژوهشی از معلمان جدید خواسته شد که کنش متقابل معلمان با سابقه و دانش - آموزان‌شان را در کلاس درس مشاهده و نتایج مشاهدات خود را در جدول زیر ثبت نمایند...» (ص ۱۶۴). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مشخص نیست پژوهش موردنظر توسط چه کسی و در چه سالی صورت گرفته است.

در جای دیگری از کتاب چنین آمده است:

«رفتارگرایان متعصب معتقدند که هدف‌های آموزشی عینی حتماً باید دارای سه ویژگی مذکور باشند، اما بسیاری از صاحب‌نظران با تدوین چنین اهدافی در فرایند آموزش مخالف‌اند...» (ص ۲۰۸). همان‌طور که مشاهده می‌شود در اینجا نیز نام هیچ صاحب‌نظری ذکر نشده است و به منبع موثقی استناد نشده است.

«روش نمایش علمی معمولاً برای آموزش مهارت‌های روانی و حرکتی، که بتوان با شیوه گام به گام فعالیت‌ها را دنبال کرد، به کار می‌رود» (ص ۳۰۸، بدون ذکر منبع علمی).... اکثر معلمان در دادن نمره دقیق به آزمون عملکرد مشکل دارند (ص ۳۰۹، بدون ذکر مستندات تحقیقی)».

علاوه بر موارد ذکر شده، در سرتاسر کتاب، جملات تحکمی فراوانی مشاهده می‌شود که در آن‌ها از کلمه «باید» استفاده شده است، بدون این‌که آن جمله بنیاد علمی معتبری داشته باشد. برای مثال نمونه زیر قابل بررسی است:

معلم که معمولاً وظیفه رهبری گروه را بر عهده دارد باید قبل از شروع بحث فعالیت‌های زیر را انجام دهد: تدارکات لازم از قبیل محل تشکیل بحث گروهی، مواد و تجهیزات لازم و آرایش هندسی نشستن را فراهم کرده و در صورت لزوم فرد مطلعی را برای شرکت در بحث دعوت کند؛ پیرامون موضوع مورد بحث مطالعه و نکات اصلی مطالعات خود را یادداشت نماید؛ سئوالاتی را که برای شروع و ادامه بحث لازم است تهیه و تنظیم نماید؛ وظایف و مسئولیت‌های سایر اعضای گروه را معین سازد؛ منابع مورد لزوم در زمینه بحث را شناسایی کند... (شعبانی، ۱۳۹۸: ۳۴۴)

در ادامه همین مبحث نیز این‌چنین بیان شده‌اند: «کار معلم باید بیشتر پیگیری، تجزیه و تحلیل و ارزیابی بحث باشد نه مشارکت در بحث.» (همان، ص ۳۴۵)

با توجه به این‌که در ابتدای جمله نقش رهبری گروه برای معلم در نظر گرفته شده است، سایر فعالیت‌های لیست شده با این نقش منافات دارند، این در حالی است که تمامی جملات تحکمی و بایندی هستند بدون این‌که مستندات علمی ذکر شده باشد.

همان‌طور که سطور بالا درباره عدم استفاده از منابع جدید، اشاره شده است، نتایج بررسی منابع درون متنی و پایانی به کار رفته در این کتاب نشان می‌دهد که هیچ منبع جدیدی که مربوط به ده سال اخیر باشد مورد استفاده قرار نگرفته است و تمامی منابع در قسمت لاتین، مربوط به سال‌های قبل از ۲۰۰۰ میلادی و در قسمت منابع فارسی مربوط به دهه‌های ۴۰ تا ۷۰ شمسی است که شایسته است به صورت جدی به این مهم توجه گردد.

۷. نتیجه‌گیری

در تالیف و تدوین کتاب درسی باید شاخص‌های متنوع ظاهری، نگارشی، محتوایی و غیره رعایت شود. اصولاً متن و محتوای کتاب درسی، حاصل برخورداری از جمیع معیارهای دقیق کارشناسی شده و منطبق بر دستاوردهای نوین علمی است؛ تا موجبات یادگیری مطلوب را تسهیل نماید. نتایج بررسی کتاب نشان می‌دهد که علی‌رغم چاپ‌های مختلف، این کتاب به‌روز رسانی نشده است. محتوای کتاب انتظار خواننده را مبنی بر ارائه مهارت‌های آموزشی و پرورشی که در عنوان کتاب ذکر شده است، برآورده نمی‌سازد. کتاب با

جهت‌گیری از یک رویکرد کلاسیک (رفتارگرایی) تهیه و تنظیم شده است و رویکردهای نوین از نظر دور مانده‌اند. از الگوی آموزشی اقناع‌کننده‌ای برای ارائه روش‌ها و فنون تدریس استفاده نشده است. اطناب و ایجاز نابجا در جاهای مختلف کتاب، تناسب بین حجم اطلاعات اصلی و جنبی را برهم زده است. با این وجود کتاب حاضر می‌تواند با اعمال اصلاحات و به‌روز رسانی علمی در راستای نیازهای حرفه‌ای مخاطبان، به عنوان منبع ارزشمندی برای دانشجویان علوم تربیتی و دانشجومعلم‌ان در دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

پیشنهادها

پیشنهادهای زیر می‌توانند در بهبود کتاب راه‌گشا باشند:

- از حاشیه‌های نوشت‌های منظم جهت کمک به افزایش میزان یادگیری استفاده شود.
- از تصاویر مرتبط جهت عینیت بخشیدن به موضوع و همچنین ایجاد تنوع در کتاب استفاده شود.
- جهت ایجاد جذابیت ظاهری و همچنین نشان دادن موارد مهم، از رنگ بهره گرفته شود.
- فهرست نمایه به پایان کتاب افزوده شود.
- با توجه به متفاوت بودن موضوعات هر فصل، منابع مربوط به هر مبحث به تفکیک در پایان کتاب ذکر شود، همچنین منابعی جهت مطالعه بیشتر درباره هر یک از موضوعات به خوانندگان معرفی شود.
- فهرست اصطلاحات اضافه شود.
- منابع قدیمی حذف و منابع جدید جایگزین گردد.
- با طراحی تکالیف یادگیری و عملکردی برای هر یک از فصول موجبات پرورش مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی، تفکر خلاق، روحیه پژوهش و تحقیق و غیره فراهم گردد.
- نمونه‌ها و مثال‌های عملی از روش‌های تدریس در قالب‌های مختلف منجمله سناریوهای آموزشی تهیه و تنظیم شود.

- با کمک گرفتن از تکنولوژی و فناوری‌های نوین، منابع الکترونیکی آنلاین و لینک‌های موضوعی مرتبط جهت دسترسی مستقیم مخاطبان کتاب فراهم گردد. همچنین در صورت امکان راه‌های ارتباطی جهت ارائه خدمات مشاوره‌ای درخصوص روش‌های تدریس به صورت الکترونیکی و آنلاین نیز فراهم گردد.
- پیشنهاد می‌گردد علاوه بر استفاده و تاکید صرف بر رویکردهای رفتارگرایان در ارائه مباحث کتاب، اعم از مباحث مربوط به مدیریت کلاس درس، شیوه‌های برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و همچنین معرفی روش‌های تدریس؛ بر دیدگاه‌ها و رویکردهای جدید در حوزه یاددهی یادگیری از قبیل رویکردهای مبتنی بر ساختن-گرایی، تفکر(مغز)محوری، روش‌های مبتنی بر همیاری، فراشناخت و غیره نیز توجه گردد.

پی‌نوشت

۱. ایده نوشتن این مقاله از آن‌جا نشأت می‌گیرد که در سال ۱۳۷۷، به عنوان دانشجوی رشته علوم تربیتی برای اولین بار با این کتاب آشنا شدم و در سال‌های بعد بارها آن را مجدداً مطالعه و مورد استفاده قرار دادم. در آن زمان احساسم بر این بود که کتابی کاربردی و قابل فهم در اختیار دارم و از آن لذت می‌بردم. تا این که زمان گذشت و وقتی به عنوان مدرس در دانشگاه فرهنگیان مشغول به کار شدم، یکی از دروسی که تقاضای تدریس کردم، درس «اصول و روش‌های تدریس» بود. با اطمینان از برتر بودن کتاب «مهارت‌های آموزشی و پرورشی، روشها و فنون تدریس»، هم به لحاظ ناشر و هم به لحاظ مولف سرشناس آن؛ به بازار مراجعه کرده و آخرین ویرایش و چاپ آن را جویا شدم. وقتی کتاب را خریداری کردم ظاهر کتاب به لحاظ تصویر روی جلد و حجم کتاب تغییر کرده بود. مشتاقانه آن را ورق زدم اما در کمال ناباوری همان مطالبی را یافتم که در دهه ۷۰ مطالعه کرده بودم و برخلاف حجم زیاد کتاب، چیزی درباره نظریه‌های جدید، رویکردهای جدید تدریس یا تغییر الگوی آموزشی کتاب براساس نیازهای کنونی دانشجویان نیافتم. به ناچار در طول سال تحصیلی مواردی را جایگزین مطالب قدیمی نمودم و با دانشجویان پیش رفتم اما در پاسخ به چرهای خودم و سئوالات و اعتراضات مکرر دانشجومعلمان از محتوای کتاب، تصمیم گرفتم این کتاب را مورد مطالعه و بررسی قرار دهم تا از این طریق بتوانم نقش شاگردی خودم را ایفا نمایم.

کتاب‌نامه

آرمند، محمد و ملکی، حسن (۱۳۹۶). مقدمه‌ای بر شیوه طراحی و تالیف کتاب درسی دانشگاهی. تهران: سمت

الوانی، مهدی (۱۳۷۹). تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی. تهران: سمت
رضی، احمد (۱۳۸۸). «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی». سخن سمت، شماره ۲۱
شعبانی، حسن (۱۳۹۸). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس). جلد اول. تهران: سمت

لیپونکا، مری‌الن (۱۳۹۱). نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی. ترجمه مریم جابر و دیگران. تهران: سمت

مایرز، چت (۱۳۷۴). آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ایلی، تهران: سمت
ملکی، حسن (۱۳۸۵). «مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاهی»، سخن سمت، شماره ۱۷
مهدی نجیبی. (۱۳۸۲). «آئین چکیده نویسی» پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات. دوره ۱۹، شماره ۱ و ۲

Anderson, L.W.(2004). *“Increasing teacher effectiveness”*. 2nd ed, Paris: UNESCO. International institute for educational Planning.

Danielson, C. (2007). *Enhancing Professional Practice: A Framework for teaching*. ASCD.

UNESCO (2005). *A Comprehensive Strategy for Textbooks and Learning Materials*. UNESCO, Parise.

Khutoroskoi, A.V. (2006). *The Place of Textbook in the didactic system. Russian Education and Society*, 48(3), 78-93.